

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# نمای سکونت در بناهای تاریخی

نیازها، مفاهیم رفتاری، الگوهای مسکن تاریخی



انتشارات  
جهاد دانشگاهی  
قزوین

سرشناسه: ظهیری فرد، عباس، ۱۳۶۶-  
عنوان و نام پدیدآور: نمای سکونت در بناهای تاریخی؛ نیازها، مفاهیم رفتاری،  
الگوهای مسکن تاریخی / مولفان عباس ظهیری فرد، رضا نقدبیشی.  
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین،  
۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: ۷-۶۶۴۷۸۴-۶۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: ساختمان‌های تاریخی -- ایران

موضوع: Historic buildings -- Iran

موضوع: نماهای ساختمانی -- ایران -- نمونه پژوهی

موضوع: Facades -- Iran -- Case studies

موضوع: معماری -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Architecture -- Psychological aspects

شناسه افزوده: نقدبیشی، رضا، ۱۳۶۳ -

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین

شناسه افزوده: Press Organization Jahade Daneshgahi Ghazvin Branch

رده بندی کنگره: ۶/NA۱۴۸۵

رده بندی دیویی: ۷۲۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۹۹۸۲۲

وضعیت رکورد: فیپا

عنوان: نمای سکونت در بناهای تاریخی؛ نیازها، مفاهیم رفتاری،

الگوهای مسکن تاریخی

مؤلفان: عباس ظهیری فرد، رضا نقدبیشی

گرافیک و صفحه‌آرایی: مرضیه حمیدی زاده

شابک: ۷-۸۴-۶۶۴۷-۶۶۲۲-۹۷۸

چاپ: نوبت اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۶۰۰۰۰۰ ریال

مصوبه شورای شعبه انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

کلیه حقوق محفوظ است ©

# نمای سکونت در بناهای تاریخی

نیازها، مفاهیم رفتاری، الگوهای مسکن تاریخی

## مؤلفان:

عباس ظهیری فرد

پژوهشگر دوره دکتری معماری

رضا نقدبیشی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن



## فهرست

|         |                                |
|---------|--------------------------------|
| ۱۰..... | فصل ۱؛ مقدمه                   |
| ۳.....  | پرسش‌های آغازین                |
| ۴.....  | پیشینه پژوهش                   |
| ۵.....  | اهمیت و ضرورت پژوهش            |
| ۶.....  | اهداف پژوهش                    |
| ۶.....  | چارچوب نظری (مبانی علمی)       |
| ۷.....  | فرضیه‌ها                       |
| ۷.....  | روش پژوهش                      |
| ۸.....  | جامعه آماری                    |
| ۹.....  | فصل ۲؛ مسکن تاریخی             |
| ۱۱..... | مقدمه                          |
| ۱۱..... | مسکن                           |
| ۱۱..... | تعریف مسکن                     |
| ۱۶..... | مسکن در ایران                  |
| ۱۸..... | گونه‌شناسی بناهای مسکونی ایران |
| ۲۳..... | فضاها در معماری بناهای تاریخی  |

|    |                                      |
|----|--------------------------------------|
| ۲۴ | معرفی فضایی بناهای تاریخی            |
| ۳۰ | تعریف بناهای تاریخی                  |
| ۳۰ | الگوی سکونت در خانه‌های تاریخی ایران |
| ۳۰ | مرمت                                 |
| ۳۱ | بافت فرسوده                          |
| ۳۳ | بازسازی                              |
| ۳۳ | بهبودی                               |
| ۳۴ | نوسازی                               |
| ۳۴ | باززنده‌سازی                         |
| ۳۵ | تغییر کاربری                         |
| ۳۶ | احیاء                                |
| ۳۸ | مراحل فرآیند احیاء                   |
| ۴۲ | جمع‌بندی                             |
| ۴۳ | منابع                                |

### فصل ۳: نیازهای انسان - مفاهیم رفتاری در روان‌شناسی محیط ..... ۴۵

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۴۷ | دانش روان‌شناسی محیطی            |
| ۴۸ | تاریخچه روان‌شناسی محیط          |
| ۴۹ | روش‌های پژوهش در روان‌شناسی محیط |
| ۵۰ | نظریه‌های روان‌شناسی محیط        |
| ۵۱ | نظریه همجواری                    |
| ۵۲ | نظریه قابلیت محیطی               |
| ۵۳ | ماشین‌انگار                      |
| ۵۳ | رفتاری                           |
| ۵۴ | بوم‌شناختی یا نظام‌های اجتماعی   |
| ۵۶ | نظریه گشتالت                     |
| ۵۹ | مفاهیم رفتاری                    |
| ۵۹ | محیط                             |
| ۶۰ | ادراک محیطی                      |
| ۶۱ | نظریه کنش‌گرایی احتمالی          |



|     |  |
|-----|--|
| ۶۲  | ..... نظریه‌ و ویژگی‌ های جلب‌کننده          |
| ۶۲  | ..... نظریه‌ اصل وضوح در ادراک و شناخت فضاها |
| ۶۳  | ..... قرارگاه رفتاری                         |
| ۶۴  | ..... نظام‌ های فعالیت                       |
| ۶۵  | ..... ازدحام                                 |
| ۶۷  | ..... فضای شخصی                              |
| ۶۹  | ..... خلوت                                   |
| ۷۲  | ..... آسایش                                  |
| ۷۲  | ..... هیجان                                  |
| ۷۴  | ..... قلمروگرایی                             |
| ۷۶  | ..... رضایتمندی                              |
| ۷۷  | ..... انگیزش رفتار                           |
| ۸۰  | ..... مشکلات محیطی                           |
| ۸۱  | ..... دام اجتماعی                            |
| ۸۲  | ..... فشار روانی محیط                        |
| ۸۳  | ..... فشار روانی ناشی از رویدادها            |
| ۸۴  | ..... مخاطرات محیطی                          |
| ۸۵  | ..... اضافه بار محیطی                        |
| ۸۵  | ..... کاهش تحریک                             |
| ۸۶  | ..... محدودیت رفتار                          |
| ۸۶  | ..... تحریک بهینه                            |
| ۸۷  | ..... نگرش‌ های محیطی                        |
| ۸۷  | ..... عوامل مؤثر در میزان نگرانی‌ های محیطی  |
| ۹۱  | ..... تخریب جلوه‌ های محیطی                  |
| ۹۲  | ..... تأثیرگذاری محیط بر رفتار               |
| ۹۴  | ..... نیازهای انسان                          |
| ۹۵  | ..... نظریه‌ ها و رویکردها                   |
| ۱۰۲ | ..... جمع‌بندی                               |
| ۱۰۳ | ..... منابع                                  |

|     |                                      |
|-----|--------------------------------------|
| ۱۰۵ | فصل ۴؛ مدل سازی و تحلیل              |
| ۱۰۷ | خلاصه ای از آن چه گفته شد            |
| ۱۰۸ | گروه های نمونه و روش انتخاب نمونه ها |
| ۱۰۸ | ابزار تحقیق                          |
| ۱۰۸ | روش اجرا                             |
| ۱۰۹ | فرآیند تحلیل                         |
| ۱۰۹ | بناهای تاریخی کاشان                  |
| ۱۱۰ | نمونه شماره ۱                        |
| ۱۱۰ | خانه تاریخی عامری ها                 |
| ۱۱۴ | نمونه شماره ۲                        |
| ۱۱۴ | خانه تاریخی رشادی (هتل منوچهری)      |
| ۱۱۸ | نمونه شماره ۳                        |
| ۱۱۸ | خانه تاریخی احسان                    |
| ۱۲۲ | توصیف داده ها                        |
| ۱۲۴ | ورودی                                |
| ۱۲۵ | هشتی ورودی                           |
| ۱۲۶ | سرداب                                |
| ۱۲۶ | مهتابی                               |
| ۱۲۷ | میان سرا                             |
| ۱۲۸ | حوض خانه                             |
| ۱۲۸ | اتاق گوشواره، شاه نشین و سه دری      |
| ۱۲۹ | تالار آئینه                          |
| ۱۳۰ | تالار و مهمان سرا                    |
| ۱۳۱ | جلو خان                              |
| ۱۳۱ | اتاق کرسی                            |
| ۱۳۲ | پنج دری                              |
| ۱۳۴ | بررسی مفاهیم رفتاری                  |
| ۱۳۷ | انطباق مفاهیم رفتاری با فضاهای خانه  |
| ۱۴۹ | فصل ۵؛ پیوست ها                      |

## پیش‌گفتار

نیازهای زندگی انسان در فرهنگ‌های مختلف در حال تغییر است و فضاهای معماری برای پاسخ‌گویی به این نیازها با اشکال و کاربری‌های مختلفی شکل می‌گیرند. نیازهای جسمی و روحی انسان از فضای زندگی و معماری او جدا نیست و هردوی آنها بر تنظیم رفتار انسان مؤثر است. تنظیم رابطه محیط و نیازهای انسان، ناخودآگاه و غیرارادی است و روش زندگی و خواسته‌های او را مشخص می‌کند. اما عنصر ارتباطی رابطه دوسویه نیازهای انسان و محیط، رفتار انسان در محیط است. برای همین امروزه رابطه دوسویه محیط-رفتار به عنوان یکی از مباحث مهم بین رشته‌ای و مخصوصاً حوزه طراحی محیطی (معماری) مطرح شده است. در روان‌شناسی محیط و مطالعات محیط-رفتار که در این کتاب نیز به آن پرداخته‌ایم، خواهیم دید که رفتار و محیط بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

این نتیجه مؤید نظریه امکان‌گرایی در روان‌شناسی محیطی است. از سویی رفتار روزمره ما به محیطی که برحسب نیاز ما به وجود آمده است، شکل می‌دهد و از سوی دیگر محیط در ایجاد یک رفتار و کنترل آن تأثیر بسزایی دارد. شکل‌گیری یک رفتار، به وجود محیط مناسب برای ابراز آن بستگی دارد. اما این به آن معنی نیست که می‌شود هر رفتاری را با توجه به محیط پیش‌بینی کرد.

بر همین اساس و با توجه به آنچه در این سال‌ها بر ما گذشته، نوعی نگرانی دربارهٔ محیط زندگی در مسکن‌های امروزی وجود دارد. عدم وجود پاسخ‌های قاطع و مناسب به بیشتر نیازهای انسانی باعث تغییر رفتارها، نگرش‌ها و حتی بیماری‌های جسمی و روحی شده است. در حالی که در گذشته، محیط برای نیاز ساکنانش پاسخ مناسب‌تری داشت و عرصه را برای ایجاد رفتارهای مناسب مهیا می‌ساخت. اما این مسأله از کجا، چرا و چطور آغاز شد؟ آیا این خطر از گذشته به ما به ارث رسیده یا خودمان مسبب آن هستیم؟

به جرأت می‌توان گفت خلأ آرامش، آسایش و امنیتی که هرروز تحمل می‌کنیم، نتیجهٔ تغییرات ناگهانی در سبک زندگی ما در جهت تأمین رفاه ماشینی است و همین مسأله باعث گریز از بافت‌های تاریخی شد. مردمی که در گذشته، در خانه‌های تاریخی با آن پیشینه و هویت عمیق زندگی می‌کردند، از هر جهت روند رشد را طی کرده بودند. اما امروز با تمایل انسان به فناوری، خانه‌های بافت‌های تاریخی خالی از سکنه است و ساکنانش در خانه‌هایی جدید اما بی‌هویت زندگی می‌کنند. پس اساسی‌ترین پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا نمی‌توانستیم زندگی مدرن را در آن کالبد کهن جای دهیم؟

عدم تدوین قواعد و الگوهای منظم برای معماری و معماری داخلی در بناهای تاریخی باعث شده تا بخشی از معماری متعالی ایران که در طول سالیان دراز شکل گرفته، یا ناگهان از سکنه خالی شود یا حفاظت و مرمت - به دلیل شرایط اقتصادی یا فرهنگی - اولویت آخر ساکنانش باشد. ساکنان بافت قدیم تلاش می‌کنند؛ به بهانهٔ تجدید از آن بگریزند و دلیل این فرار، چیزی جز عدم پاسخ‌گویی به نیازهای جدید و امروزی ساکنانش نیست. امروزه در خانه‌هایی زندگی می‌کنیم که نه از آرامش دوران گذشته در آن‌ها خبری هست، نه به‌طور کامل به نیازهایمان پاسخ می‌دهد. اما غافلیم از این که بخش زیادی از سرگشتگی و استرس روزافزون ما از محیط سکونت‌مان به ما القاء می‌شود. به نظر می‌رسد ایجاد فضاهایی پاسخ‌دهنده در کالبد معماری گذشته، می‌تواند افراد را برای بازگشت و سکونت در فضاهای با هویت بافت تاریخی ترغیب کند.

هدف این کتاب، دستیابی به قواعد و الگوهایی با توجه به رفتارها و نیازهای انسان امروزی و در نظر گرفتن استانداردهای زندگی در فرهنگ ایرانی است. بنابراین در فصل اول، ضمن بررسی مفهوم مسکن و خصوصاً مسکن تاریخی، نظریه‌های مربوط به مرمت و احیاء بناهایی از این دست به اختصار معرفی شده و در فصل دوم بعد از مرور نظریه‌های رفتارشناسی و مفاهیم رفتاری، نیازهای انسان از دید نظریه‌پردازان شاخص مورد بررسی قرار گرفته است.

از نتیجه بررسی‌های انجام شده در فصول سوم و چهارم، در قالب مدل‌سازی و با عنوان «مدل مفهومی نیازسنجی رفتاری در بناهای تاریخی» به‌عنوان الگوی سنجش و ارزیابی در فصل پنجم استفاده شده و در سه بنای مسکونی تاریخی شاخص کاشان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این مدل مفهومی، برای دستیابی به راه‌کارها، راه‌حل‌ها و الگوهای مناسب بهره‌برداری از فضاهای تاریخی و پاسخ‌گویی به نیازهای زندگی امروز استفاده خواهد شد.

شکل‌گیری این کتاب مرهون درس‌آموخته‌هایی دربارهٔ انسان و محیط در حوزهٔ روان‌شناسی محیطی است و فرصتی بود که یک پژوهش مشترک صمیمانه بین نویسندگان کتاب ایجاد شود. یکی از تازه‌ترین گرایش‌های بین‌رشته‌ای مطرح در حوزهٔ معماری، کاربرد مطالعات محیط-رفتار در قرارگاه‌های فیزیکی و به‌کارگیری دانش روان‌شناسی معماری در حوزه‌های عملی معماری است.

در تدوین این کتاب نیز تلفیق تجارب نویسندگان از حضور مداوم در ابنیهٔ تاریخی و مرمت آن‌ها با این گرایش می‌تواند تلاش نوآورانه‌ای در این حوزه به شمار آید. اما هر کار تازه‌ای برای رفع نواقص و رسیدن به نسخهٔ نهایی، به دقت و توجه مضاعف نیاز دارد. بنابراین انعکاس نظر شما خوانندگان و مخاطبان بزرگوار، بزرگ‌ترین لطف و حمایت شما برای رفع نواقص کتاب در چاپ‌های بعدی است.

### **عباس ظهیری فرد**

پژوهشگر دوره دکتری معماری

### **رضا نقدبیشی**

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن



مقدمه

فصل ۱





## پرسش‌های آغازین

خانه‌های تاریخی با پیشینه و هویتی عمیق در گذشته، سکونت‌گاه مردمی بوده که از هر جهت روند رشد را طی کرده بودند. امروزه با تمایل انسان به فناوری، این خانه‌ها از سکنه خالی شده و جمعیت داخل بافت‌های تاریخی با خروج از آن در فضایی جدید و بی‌هویت زندگی می‌کنند. فضاهایی که نیاز ساکنان را تغییر داده و هویت را از معماری داخلی خانه‌های ایرانی گرفته است.

عدم تدوین قواعد و الگوهای منظم برای معماری و معماری داخلی در بناهای تاریخی باعث شده تا بخشی از معماری متعالی ایران که در طول سالیان دراز شکل گرفته، یا ناگهان از سکنه خالی شود یا حفاظت و مرمت - به دلیل شرایط اقتصادی یا فرهنگی - اولویت آخر ساکنانش باشد. ساکنان بافت قدیم تلاش می‌کنند، به بهانه تجدید از آن بگریزند و دلیل این فرار، چیزی جز عدم پاسخ‌گویی به نیازهای جدید و امروزی ساکنانش نیست. نیازهایی که البته بخش بسیاری از آن کاذب و غیرواقعی است.

بناهای تاریخی در گذشته، پاسخ‌گوی نیاز کسانی بود که با فناوری امروز میانه‌ای نداشتند. در طول سال‌ها به کالبد بنای خود هویت دادند و به تناسب نیازشان معماری فاخر آفریدند. هویت آن‌ها با چیزی مثل خانه عجین بود و برای همین باعث می‌شد خانه برایشان جایی دوست‌داشتنی و آرامش‌بخش باشد. در حالی که ما امروز در خانه‌هایی زندگی می‌کنیم که نه کاملاً به نیازمان پاسخ می‌دهد، نه در آن از آرامش گذشته خبری هست. غافلیم از سرگشتگی‌ای که بخش زیادی از آن توسط محل سکونت‌مان به ما القاء می‌شود.

به نظر می‌رسد پاسخدهی فضاهای گذشته در جهت رفع نیازهای انسان امروز، می‌تواند ترغیب‌کننده بازگشت به بافت تاریخی و سکونت در فضاهای با هویت آن باشد. از آن‌جا که بناهای تاریخی، قواعد سازه‌ای یا مرمتی خاص خود را دارند، معماری داخلی آن‌ها به عنوان متغیر، می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد. امکان تعریف قواعد یا الگوهایی برای بازآفرینی فضای داخلی، با توجه به نیازهای انسان امروزی در قالب کالبد تاریخی، مسأله‌ای است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نیز با بررسی این نیازها از دیدگاه روان‌شناسی محیطی، به بازآفرینی الگوها و ارائه پاسخ‌های جدیدی خواهیم پرداخت که به ایجاد رفتار مطلوب در بناهای تاریخی کمک می‌کند.

پرسش‌های اساسی کتاب از این قرار است:

- ۱- فضاهای مسکونی امروزی تا چه اندازه‌ای پاسخ‌گوی نیازهای انسان معاصر است؟ و عوامل پاسخ‌گو به نیازهای سکونت انسان معاصر چیست؟
- ۲- شاخصه‌های رفتاری تأثیرگذار در بازآفرینی فضاهای مسکونی تاریخی چیست؟
- ۳- تغییرات کالبدی مبتنی بر نیازسنجی رفتاری موثر در طراحی داخلی قرارگاه‌های رفتاری تاریخی چیست؟

## پیشینه پژوهش

اصالت فرهنگی هر شهر یا منطقه، با داشته‌های تاریخی آن رقم می‌خورد. بازگشت به گذشته و حتی الگوبرداری از آن در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و... امری غیرقابل انکار است. در این بازخوردها و رجوع به گذشتگان، حفظ آن‌چه که بوده‌ایم امری ضروری است. چرا که پیشرفت در هر مرحله و هر عرصه را مدیون همان لایه‌های پیشین و گذشته هستیم که امروزه به شیوه‌ای تأسف‌بار فراموش گشته یا مورد کم‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است.

چیزی که در مطالعات پیشین بیش‌تر به آن پرداخته شده، مسأله تغییر کاربری بناهای تاریخی جهت احیای آن‌ها است. تغییر کاربری در بناهای معماری به جا مانده از گذشته، از تفکر حفظ و نگهداری آن‌ها الهام می‌گیرد؛ مرمت با چشم‌اندازی برای ارائه بنا در عملکردی نو و در قالب یک بنای قدیمی، که قادر است به حیات کالبدی خود ادامه دهد.

باززنده‌سازی و احیاء به معنای استفاده مناسب از بناها و سایت‌های تاریخی به عنوان بهترین گزینه برای حفاظت از آن‌ها، به‌طور طبیعی همواره با تغییرات اصولی در اثر همراه هست. طرح‌های نو می‌توانند در قالب تغییر کاربری در بناهای قدیمی واجد شرایط نمود پیدا کنند. این تغییر برآیندی از معماری داخلی، بستر، محیط طبیعی و بافت اطراف خواهد بود.

در این میان معماری داخلی اهمیت زیادی دارد و اگر درست و به جا اجرا نشود، کاربری جدید مثل یک عضو ناهمگون در قالب و کالبد قدیم نمی‌نشیند. این ناهماهنگی به‌طور مستقیم بر مخاطب تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود نتواند آن‌طور که باید با مجموعه ارتباط برقرار کند. عدم حضور مخاطب، عدم فعالیتی پویا را در پی دارد. تغییر کاربری سازگار تغییری است که به بستر و جایگاه ویژه بنا احترام بگذارد و در یک تعامل پایاپای بتواند جنبه جدید خود را به مخاطب عرضه نماید. اولویت‌بندی نیازها برای استفاده کارآمد [حداکثر] از فضاهای داخلی، یکی از اصول مهم تغییر کاربری است.

هدف اصلی معماری داخلی، هدفمند کردن و ساماندهی فضاهای داخلی برای استفاده بهتر مخاطبان است. اولین چیزی که در ابتدای یک تغییر کاربری سازگار باید مد نظر قرار گیرد، عملکرد و نحوه استفاده از فضای داخلی است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

با اطمینان می‌توان گفت که در این مقطع از تاریخ، نیازهای انسان نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده و باز هم با گذشت زمان دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد. انسان امروز با وجود رفتارهای استرس‌زا و مخاطره‌آمیزی که از خود نشان می‌دهد، برای رفع نیازهایش با خطراتی روبرو است که گاهی نسبت به آن‌ها آگاه نیست. ترک و تخریب بناهای ارزشمند گذشته که تأثیر بسیاری بر کیفیت زندگی، آرامش و رضایتمندی از زندگی داشت، یکی از این مخاطرات است.

با توجه به این‌که نیازهای اولیه انسان امری ثابت است؛ می‌توان نتیجه گرفت تغییر محیط به نسبت گذشته عامل ایجاد این استرس بوده و محیط‌های امروزی دارای اضافه باری است که به انسان منتقل می‌کند. قطعاً با رفع نیازهای انسان امروز در این فضاهای ارزشمند، می‌توانیم امیدوار باشیم جامعه به آن فضاها برگردد. این بازگشت بر کل جامعه، سبک زندگی و کم شدن فشار روانی محیط‌های نامطلوب، تأثیر زیادی دارد و با بالا رفتن حس رضایت از زندگی،

آسایش و اعتماد به محیط، پیشرفت جامعه بالاتر می‌رود. ایجاد حس رضایتمندی از محیط تا حد زیادی وابسته به خواسته‌های ما از محیط است و خواسته‌های انسان وابسته به نیازهای اوست. نحوه رفتار در محیط، واسطه‌ای است که ارتباط دو سویه بین نیاز انسان و محیط سکونت را برقرار می‌کند. بنابراین لازم است با بررسی این موضوع برای آن الگویی تعریف کنیم تا با رعایت آن در طرح‌ها به این هدف مهم دست پیدا کنیم.

## اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، ارائه راه‌کارهایی برای رسیدن به فضاهای داخلی مطلوب در بناهای تاریخی با استفاده از الگوهایی برای بهینه‌سازی مفهوم سکونت بر اساس نیازهای انسان معاصر و ارتقای زندگی در این فضاها است. از زاویه دیگر، هدف ما دستیابی به الگوهایی جهت اصلاح رفتارهای انسان در محیط سکونت خود است تا در رابطه‌ای متقابل بین محیط داخلی و رفتار، سکونت در بناهای تاریخی و رفع نیازهای انسان ممکن شود.

## چارچوب نظری (مبانی علمی)

متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند، بعنوان متغیر مستقل (نیازهای انسان برای سکونت) و متغیر وابسته (فضاهای مسکونی قدیمی ایران) هستند که انتظار آن می‌رود با تغییر و سامان دادن فضاهای داخلی در بناهای تاریخی، قدمی برای دستیابی به مقصود پژوهش که امکان سکونت مجدد در آنهاست فراهم شود.

در این کتاب با تغییر در ابعاد مختلف متغیر وابسته، تلاش می‌کنیم به الگوهایی در بناهای تاریخی و امکان سکونت مجدد در آنها در جهت ایجاد آسایش فضایی و رفتاری مطلوب دست پیدا کنیم.

متغیرهای این تحقیق، متغیرهایی کیفی چون هیجان، ازدحام، خلوت، فضای شخصی و ... هستند که با کیفیت فضایی رابطه مستقیم دارند.

متغیر وابسته این تحقیق، بنای تاریخی واجد ارزش معماری است که با اعمال متغیرهای تعدیل‌کننده یا مداخله‌گر چون عناصر معماری داخلی به عنوان متغیر تأثیرگذار بر متغیرهای مستقل (نیازهای انسان)، به بوتۀ آزمایش گذاشته می‌شود. نتایج تحقیق، قواعدی پیشنهادی

برای آزمایش در بناهای تاریخی و واجد ارزش معماری خواهد بود و رسیدن به هدف در نمونه‌های مشابه را تسهیل و تسریع می‌کند.

در این کتاب تلاش می‌کنیم به مدلی دست پیدا کنیم که رابطه بین نیازهای انسان، مفاهیم رفتاری و فضاهای مسکونی تاریخی را توضیح دهد و تأثیر همجواری و همپوشانی این عناصر را بر هم آشکار کند. سپس برای آزمودن این مدل، آن را در نمونه‌های موردی منتخب آزمایش می‌کنیم و پس از ارزیابی نتایج به دست آمده را به راه‌کارهای معماری تبدیل خواهیم کرد.

## فرضیه‌ها

یکی از دلایل اساسی خالی شدن فضاهای مسکونی قدیمی، پاسخگو نبودن آن‌ها به نیازهای انسان معاصر است. گستره وسیع معماری داخلی، بنیادی‌ترین تأثیر را در ایجاد و تأثیر فضا بر رفتارهای محیطی انسان دارد و می‌تواند با توجه به الگوهای رفتاری، یک فضای بدون استفاده را به فضایی کاربردی و مطلوب تبدیل کند.

با استفاده از تکنیک‌هایی که در نتیجه این پژوهش به دست خواهد آمد می‌توان با بهینه‌سازی فضاهای داخلی در جهت رفع نیازهای انسانی منتظر بازگشت جامعه به بافت تاریخی و رونق سکونت در خانه‌هایی با معماری متعالی گذشته باشیم.

## روش پژوهش

این پژوهش با بررسی نحوه سکونت انسان در معماری گذشته و حال، با توجه به نیازهای خود و واکاوی نظریه‌های ارائه شده توسط متخصصان آغاز می‌شود. سپس با نقد و بررسی بیشتر، آن دسته از راه‌کارها و نظریاتی که با معماری داخلی همخوانی بیشتری دارد و مطلوب‌تر است، انتخاب می‌شود و مبنای ارائه راه‌کارهای جدیدتر قرار می‌گیرد.

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و در آن از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده می‌شود. روش کتاب و تحلیل داده‌ها، کیفی و بر اساس کیفیت محیط‌های پاسخده خواهند بود. برای گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای، از شیوه اسنادی-تاریخی و نیز گردآوری و تجزیه و تحلیل تصویر و در روش میدانی از شیوه مشاهده و بررسی مستقیم بهره گرفته‌ایم.

## جامعه آماری

با توجه به این که آگاهی از سازماندهی جامعه آماری می تواند بر درک بهتر فرآیند و دستاوردها تأثیر داشته باشد، لذا جهت وضوح هرچه بیشتر مراحل کتاب، جامعه‌ای آماری از نمونه‌های موفق و مشابه با موضوع، انتخاب شده و سپس به بررسی آن پرداخته می‌شود.

نکته قابل توجه این بناها، شباهت بسیار زیاد کاربری فعلی آن با کاربری آن‌ها در گذشته است. همه این خانه‌ها در گذشته مسکونی بوده‌اند و در حال حاضر هم مسکونی هستند. با این تفاوت که در گذشته، سکونت در آن‌ها دائمی و در قالب خانواده بود و اکنون به‌عنوان اقامتگاه موقت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

# مسکن تاریخے

۲ فصل





## مقدمه

مسکن مکانی برای آسایش و آرامش زندگی انسان است. جایی که باید قابلیت پاسخ‌گویی به همه جنبه‌های عملکردی زندگی، احساسی و فیزیکی فرد را دارا باشد تا بتواند به زندگی‌اش آرامش و لذت ببخشد.

معماری خانه‌های قدیم طوری بود که علاوه بر تأمین آسایش جسمی فرد، آسایش روانی او را نیز به همراه داشت، خانه‌های ساده یا فاخری که با الگوبرداری از ماهیت ساکنانش ساخته می‌شد، یکی از مقدمات آسایش روانی جامعه بود. درحقیقت تأثیر کالبد بناها بر تک‌تک افراد در جامعه، جریان رفتاری جامعه را به سمت آسایش، دوستی و نشاط هدایت می‌کرد.

در این بخش با ارائه تعریفی از مسکن و مسکن تاریخی به بررسی الگوها، نشانه‌ها و کالبد آن می‌پردازیم تا دریابیم نتایج روانی حاصل از تأثیر کالبد بر افراد از چه مسیری به دست می‌آید.

## مسکن

### تعریف مسکن

مسکن از ماده سکن، به معنی آرامش، اسکان قلب و اطمینان آمده است. این لغت با کلماتی مثل خانه، کاشانه، دار، سرا و ... هم‌معنی است. با این‌که کلمه «خانه» بدیهی و بی‌نیاز از تفسیر

به نظر می‌رسد و از مناظر متعدد نیز تعاریف گوناگونی درباره آن عرضه شده، این پدیده هنوز جای بحث بسیار دارد.<sup>۴</sup>

در لغت‌نامه دهخدا «کاشانه» این‌گونه معنی شده است: طرز. (اقراب الموارد). روق. (منتهی الارب). رواق. بیت کالفسطاط. (اقراب الموارد). کاشان. خانه زمستانی. خانه. || دارالشفاء. || خانه کوچک. خانه محقر.<sup>۱</sup>

هم‌چنین ذیل این کلمه در فرهنگ دهخدا آمده است که ظاهراً کاشانه در اصل به معنی خانه‌ای است که شیشه‌ها را برای روشنی در تابان‌های آن تعبیه کرده باشند؛ مرکب از کاش به معنی شیشه و آنه که کلمه نسبت است. بعد از آن به معنی مطلق خانه استعمال شده و حتی به معنی آشیانه مرغان نیز آمده است.

این کلمه در فرهنگ معین به معنی خانه خرد و کوچک و خانه زمستانی آمده است.<sup>۲۵</sup> در فرهنگ واژگان مترادف و متضاد نیز هم معنی با آشیانه، بیت، خانه، سرا، عریش، کلبه، لانه، مقام، منزل در نظر گرفته شده است.

اما در فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان، «واحد مستقلی در یک ساختمان» معنا شده است. هم‌چنین «خانه» در فرهنگ دهخدا با تعریف «جایی که در آن سکنی می‌گزینند.» تعریف شده و در پاورقی آمده که در قدیم به معنای بیت عربی و اتاق امروزی به کار می‌رفته است.

«سرای» نیز به معنی دار عربی و خانه امروزی استفاده می‌شده است.

اما مفهومی که امروزه از مسکن برداشت می‌شود، همان سرپناه است؛ مفهومی که در آن تنها رفع نیازهای اولیه مطرح است. تجربه در حوزه معماری به ما آموخته است که اکتفا به چنین تعریفی از مسکن، الگوی سکونت‌مناطق نظیر سکونتگاه‌های نابهنجار را ایجاد خواهد کرد.<sup>۹</sup> ظاهراً در همه دنیا تعاریف و تفاسیر مفهوم خانه کم و بیش یکی است. اما واقعیت آن است که اولاً نگاه جوامع و فرهنگ‌های مختلف به پدیده‌ای به نام خانه متفاوت است و ثانیاً این مفهوم در طول تاریخ بسیار متحول شده است.<sup>۴</sup>

۱- تفاوت در تعاریف و تقدم و تأخر در استفاده از این لغات نیز نشان‌دهنده تغییر انتظارات از یک فضای مسکونی در مسیر زمان است.

از آن جا که این مکان متضمن تشکیل نوعی از هم‌زیستی گروهی در بین انسان‌هایی است که با یکدیگر نسبت‌های مشخص دارند، می‌توان آن را بعد از سرپناه اولیه، از قدیمی‌ترین اماکن بشری شمرد. خانه یک کاشانه نیست. یک خانه (کاشانه یا چادر یا هر محل مسکونی) یک ساختار فیزیکی است. کاشانه یک مجموعه غنی از معانی فرهنگی جمعیتی و روانی در حال تکامل است که ما به ساختار فیزیکی متصل می‌کنیم. بنابراین نمی‌توانیم یک کاشانه بخریم، بلکه می‌توانیم جایی را به عنوان محل سکونت بخریم یا اجاره کنیم و با گذشت زمان، با تلاش و البته قدری شانس آن را به یک کاشانه تبدیل کنیم.

راپاپورت در این باره می‌گوید که خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی. وی هم‌چنین معتقد است که در جوامع سنتی قبل از آن که اقلیم و مصالح و فناوری، شکل و سازمان و تقسیمات فضایی خانه را تعیین کند، درک انسان‌ها از جهان و حیات و نیز فرهنگ آنان شامل اعتقادات مذهبی، ساختار قبیله و خانواده، سازمان اجتماعی، روش زندگی و شیوه ارتباطات اجتماعی افراد ساختار کالبدی خانه را تعیین می‌کرده است.<sup>۱۰</sup>

وی معتقد است: «خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه، و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آن جا که احداث یک خانه، پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی از آن زمان که خانه برای بشر اولیه به‌عنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکرد تنها در فایده‌رسانی صرف یا فضای عملکردی محض خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به‌عنوان وظیفه ضروری مطرح بود و جنبه اجتماعی مفهوم خانه، ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به شمار می‌رفت».<sup>۱۰</sup>

بر اساس نظر راپاپورت می‌توان دریافت که برای ساخت خانه در همه جای دنیا علاوه بر محدودیت‌های فیزیکی و اقلیمی، فرهنگ، مذهب و جامعه نیز نقش بسیار مؤثری داشته است. ساخت خانه یک امر فرهنگی است و طبعاً شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.<sup>۴</sup> در نتیجه خانه چیزی بیش از یک سرپناه است و جز جنبه فیزیکی، جنبه‌های معنوی و روحی عمیقی دارد.

اما مامفرد بر این عقیده است که دلیل پرداختن به جنبه‌های غیر فیزیکی خانه این است که انسان قبل از آن که حیوانی «ابزارساز» باشد، حیوانی «نمادساز» است. دلیل این ادعای او آن است که انسان پیشتر از آن که در ساخت ابزار مهارت پیدا کند، به اسطوره و مذهب و آیین

پرداخته و بیشتر توان خود را در این راه صرف کرده است. به همین علت شاید برای تحلیل شکل خانه‌های انسان، معیارهای نمادین نسبت به معیارهای فیزیکی از اهمیت بیشتری برخوردار باشند.<sup>۴</sup> این در حالی است که مکاتب فکری معاصر به خانه، بیش‌تر به‌عنوان ماشین نگاه کرده‌اند و تأثیر عوامل دیگری غیر از عوامل فیزیکی را نادیده انگاشته‌اند.<sup>۱۹</sup>

هایدگر از تولید ماشینی برای رفع نیازهای بشری انتقاد می‌کند و می‌گوید: «در جهان توده‌ای امروز با تولیدات انبوه و وسایل ارتباط جمعی و انواع سرگرمی‌های گسترده، جامعه جهانی به شکلی ناپیدا حق انتخاب را نه‌تنها از افراد بلکه از فرهنگ‌ها نیز می‌گیرد و نوعی یک‌شکلی و هم‌شکلی یکنواخت به همه تحمیل می‌شود.»<sup>۲۱</sup>

هایدگر از نادر فیلسوفانی است که به مفهوم واقعی و چیستی خانه توجه خاصی دارد. وی در تلاش برای توجیه چیستی مسکن و سکونت به لغت گوتیک wunian به معنای «منزل کردن» و «اقامت‌گزیدن» و در ضمن «خوشحال بودن» و «در آرامش بودن» اشاره می‌کند.<sup>۱۲</sup> از نظر او سکونت نشانه روشن و بارز وجود است و تفکر در پدیده سکونت و مسکن امری ضروری است.

سکونت کردن حاصل اندیشیدن و ساختن است و اگر این دو در کنار یکدیگر قرار نگیرند، سکونت تحقق پیدا نمی‌کند. بدین ترتیب از نظر هایدگر سکونت در اشکال امروزی بی‌ریشه است؛ و تا به مفاهیم عمیق و ریشه‌های واقعی خود متصل نشود، محقق نخواهد شد.<sup>۱۳</sup>

تغییراتی که در مفهوم خانه و سکونت ایجاد شده، خانه را از محصولی شبه طبیعی و پاسخگو به نیازهای مادی و معنوی انسان به محصولی غیرطبیعی و مکانیکی تبدیل کرده است. به طوری که سکونت به معنی آرامش یافتن جای خود را به اسکان به معنای مستقرشدن داده است.<sup>۲۷</sup>

سکونت کردن رابطه‌ای است که توسط فعالیت خودآگاه و هدفمند انسان، میان کارکردهای حیاتی او مثل اقتضائات معیشتی، رفتارهای اجتماعی و حیات خصوصی و یک مکان خاص برقرار می‌شود. این رابطه، مولد مفاهیم بنیادینی است که هرکدام از آن‌ها در جای خود، مفهوم سکونت به‌شمار می‌آیند: «فضای شخصی، قلمروپایی و فضای قابل دفاع»<sup>۱۸</sup>

سکونت، عینیت بخشیدن به حس تعلق و تمنای حضور، نشانه برقراری پیوند و صمیمیت با محیط پیرامون و در سلسله مراتبی بزرگ‌تر، با هستی است.<sup>۱۱</sup>

به اعتقاد لوکوربوزیه: «خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌کند. در خانه باید یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی بخوابد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند.»<sup>۱۹</sup>

در دوران معاصر مفهوم خانه تغییر کرده و فقط درباره عملکردها و اندازه‌های مناسب آن بحث شده است. حتی گاهی الگوی مسکن به سمتی رفته که نیازهای مادی فرد را نیز تأمین نمی‌کند. این الگوها با تغییر کیفیت فضایی در خانه، نگاه مردم و خواسته‌های آن‌ها را از زندگی تغییر داده و از طبیعت و فطرت انسان دور شده، بدون آن که به سؤالاتی مثل ماهیت خانه یا تأثیرش بر زندگی افراد پاسخ بدهد.

انحطاط معنایی در خانه، به انحطاط حس انسان از فضا و از دست دادن حس زیبایی‌شناسی و اغتشاش در انگاره‌های ذهنی استفاده‌کننده - که برخی آن را زبان فضا نامیده‌اند - می‌انجامد. به دلیل نقشی که خانه از ابتدای تولد در زندگی انسان دارد، درک و زبان فضایی انسان به شدت وابسته به چگونگی و چیستی این فضا است.

هرچه خانه به کمال معنایی خود نزدیک‌تر باشد، درک و زبان فضای آموخته شده از طریق آن کامل‌تر خواهد بود. برعکس، از فردی که در خانه‌ای ناقص و نامتناسب بزرگ شده، نمی‌توان توقع درک فضایی در مرتبه‌ای متعالی را داشت؛ تا جایی که شاید بتوانیم او را دچار عارضه فلج ادراک فضایی بدانیم. مسلماً این امر در زندگی فردی و به ویژه اجتماعی انسان‌ها و نیز شکل‌گیری فضا تأثیر مستقیم خواهد داشت.<sup>۴</sup>

می‌توان گفت سکونت کردن، تلاشی در جست‌وجوی هویت انسانی از طریق برقراری پیوندی سرشار از معنا با هستی است.<sup>۲۹</sup> بنابراین اولین مفهومی که از سکونت کردن استنباط می‌شود، وقوف طبیعی و مصنوعی بر محیط و ساختن چیزی نظیر یک خانه است. این وقوف به معنای شکل‌گیری یک گونه کالبدی از فضا است.

در مرحله بعد، تداوم و پایداری و به عبارت دیگر معنادار شدن این گونه، مستلزم برقراری رابطه و پیوند معنادار میان انسان و محیط برای احراز هویت انسانی است.<sup>۱۱</sup>

لذا برای احیای معنای خانه، باید با گذشته غنی خودمان آشتی کنیم. آشتی با گذشته به معنای این نیست که عیناً از معماری گذشته تقلید کنیم. بلکه باید آن معماری را درست بشناسیم و با عقبه فرهنگی، فضا و محیط خودمان را باز طراحی کنیم، مفهوم سکونت را درک کنیم، نیازهای فرهنگی و طبیعی خود را بشناسیم و تلاش کنیم آن‌ها را تأمین کنیم. بدین ترتیب می‌توان به جای پیروی کورکورانه و ناقص از معماری مدرن وارداتی یا تقلید نادرست و سطحی از معماری گذشته به ایجاد پیوند بین امروز و دیروز امیدوار بود.<sup>۳</sup>

## مسکن در ایران

در معماری کهن ایران، خانه بر پایه اصول و الگوهای ویژه‌ای ساخته می‌شد. اصولی که معماران چه در خانه اعیان و اشراف و چه در خانه مردم عادی همواره دنبال می‌کردند.<sup>۲۲</sup>

خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی بود. درحالی که امروزه متصدیان تهیه مسکن بر عوامل کمی و به ویژه عوامل اقتصادی متمرکز شده‌اند.

یکی از اصلی‌ترین مباحث، توجه به ویژگی‌های کیفی و عناصر شاخص معنوی و ارزش‌های فرهنگی است که در تهیه غالب برنامه‌ها و طرح‌های معماری مسکن گذشتگان مورد استفاده قرار گرفته است. چرا که خانه تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد. خلوت خود یا همسر و فرزندان یا دوست و دیگران همه و همه بی‌تعرض غیر در آن ممکن می‌گردد.<sup>۷</sup>

خانه به معنای محل سکونت است و حریم امن یک انسان به شمار می‌آید. ابعاد مادی آرامش و آسایش (مثل فقدان سر و صدا و آلودگی صوتی و تنظیم شرایط محیطی) و آرامش خیال، جملگی از ویژگی‌های اصلی مسکن مطلوب به شمار می‌آیند و نبود آن‌ها ممکن است آرامش قلبی و روحی انسان را مخدوش نمایند.<sup>۸</sup>

خانه ایرانی بر اساس فرهنگ ایرانی شکل گرفته و تکامل یافته است. این فرهنگ که در طول سالیان دراز شکل گرفته، عبارت است از دانش‌ها، باورها، اصول و ارزش‌هایی که بر مشی حیات اجتماعی و فردی ایرانیان تسلط دارد. با توجه به نقش فرهنگ در ایجاد محیط می‌توان گفت که اولاً فرهنگ بر شیوه زیست و فعالیت‌های انسان و در نتیجه بر روند خلق فضا تأثیر مستقیمی دارد. ثانیاً معماری و خلق فضا تأثیر بسیار وسیعی بر زندگی و شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و در نتیجه بر فرهنگ جامعه دارند.